

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۳۰

فصل نامه علمی - پژوهشی عصرآدینه

سال دهم، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۹۶

بررسی لایه ایدئولوژیک سبک در غزل انتظار معاصر، با تکیه بر واژه‌های نشان‌دار

حسن دلبری^۱

چکیده

هدف مقاله حاضر آن است تا ضمن گذری کوتاه بر درون مایه این نوع غزل، لایه ایدئولوژیک سبک را در سرودهای شاعران باورمند معاصر بررسی کند. در این راستا، مسئله بنیادی مقاله، کیفیت و کمیت به کارگیری واژه‌های نشان‌دار غزل انتظار امروز و نقش آن در تفرد سبکی این نوع غزل می باشد. بدنه اصلی مقاله راکه به صورت مطالعه موردی و کتابخانه‌ای انجام شد، پس از معرفی لایه ایدئولوژیک سبک، بررسی سروده‌های انتظار با تکیه برده مورد از پرکاربردترین واژه‌های نشان‌دار این حوزه تشکیل می دهد. بررسی این سروده‌ها از نظرگاه واژه‌های نشان‌دار در لایه ایدئولوژیک سبک، گویای این نکته است که شاعران غزل سرای باورمند به مسئله انتظار، با استخدام طیف خاصی از واژگان مشترک، علاوه بر بیان مفاهیم عقیدتی خود در این زمینه، در سطح واژگانی، موجب نوعی تفرد سبکی در این گونه ادبی شده‌اند.

واژگان کلیدی

سبک‌شناسی لایه‌ای، لایه ایدئولوژیک، ایدئولوژی، واژگان نشان‌دار، غزل انتظار معاصر.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری (hassan.delbary@gmail.com).

امروزه «انتظار» به عنوان یک واژه یا اصطلاح، نه تنها کارکردی اعتقادی پیدا کرده؛ که به مثابه یک فرهنگ، حوزه‌های گسترده‌ای مثل ادبیات را نیز تحت تأثیر قرار داده است. ادبیات انتظار- به طور عام - و شعر انتظار- به طور خاص - در میان آثار آیینی معاصر، چه از نظرگاه کمی و چه کیفی، به سطحی رسیده است که خود می‌تواند به عنوان یک ژانر مستقل نیز مورد بررسی قرارگیرد. در این میان قالب غزل با توجه به قابلیت‌های گسترده‌ای که در بازتاب مفاهیم مختلف دارد، توانسته است بخش عمده‌ای از شعرهای انتظار را به خود اختصاص دهد.

این فرهنگ ایدئولوژیک (انتظار) وقتی در مباحث اعتقادی مورد بررسی قرار می‌گیرد، بیشتر از منظر مفهومی، واکاوی می‌شود؛ اما آن‌گاه که قالبی ادبی به خود می‌گیرد، در لایه‌های مختلف می‌تواند نقد و بررسی شود و همین جاست که می‌توانیم این نوع ادبیات را در بوته سبک‌شناسی لایه‌ای مورد ارزیابی قرار دهیم؛ اما از آن جا که سبک‌شناسی لایه‌ای، گستردگی خاصی دارد و یک اثر ادبی را در پنج لایه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک نقد می‌کند (در ادامه مقاله این رویکرد سبک‌شناسی معرفی خواهد شد)، تنها یک مقاله، گنجایی بازتاب هر پنج لایه را ندارد؛ به همین دلیل در پژوهش حاضر، غزل انتظارِ معاصر از نظرگاه واژه‌های نشان‌دار در لایه ایدئولوژیک سبک، مورد بحث قرار خواهد گرفت.

بیان مسئله

مسئله بنیادین این مقاله که با هدف ارزیابی واژگان نشان‌دار در لایه ایدئولوژیک سبک غزل‌های انتظارِ معاصر نوشته شده، این است که کدام واژه‌های نشان‌دار حکایت از مفاهیم اعتقادی در دکتترین مهدویت دارد و با چه بسامدی در غزل امروز بازتاب یافته که به تفرد سبکی این سروده‌ها انجامیده است. مقاله به روش مطالعه موردی با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است و نگارندگان در این پژوهش، ضمن گذری کوتاه بر درون‌مایه این سروده‌ها، به طور تخصصی‌تر، غزل‌های انتظار را در سطح واژگانی لایه ایدئولوژیک سبک، بررسی کرده‌اند.

پیشینه و ضرورت تحقیق

تاکنون پیرامون سبک و زبان غزل انتظار، با محوریت بررسی لایه واژگانی، و تمرکز بر روی واژه‌های نشان‌دار، پژوهشی مستقل و درخور توجه صورت نگرفته است؛ اما می‌توان از منابعی یاد کرد که محتوای آن‌ها با مقوله مورد نظر این مقاله نزدیک است و بی‌شک، یافته‌های آن‌ها، می‌تواند یاری‌رسان نگارندگان این مقاله نیز باشد. این منابع در دو دسته عمده جای می‌گیرد. دسته‌ای از این منابع مربوط به سبک‌شناسی با رویکرد ایدئولوژیک و لایه واژگانی است؛ مانند:

- کتاب *سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها* نوشته محمود فتوحی رودمعجنی (۱۳۹۰)، که نویسنده در آن، بخش‌هایی را به نحوه بررسی لایه واژگانی و ایدئولوژیک سبک اختصاص داده است و می‌توان با روش‌های مطرح شده در آن، محتوای فکری یک اثر را مورد بررسی قرار داد.

- مقاله «غزل نوکلاسیک و لایه‌های ایدئولوژیک سبک در آن» (دلبری و دیگران، ۱۳۹۳) در این پژوهش، نگارندگان، هدف مقاله را تبیین فرایند شکل‌گیری غزل نوکلاسیک دانسته‌اند و ضمن معرفی متن‌های لحظه تغییر در این نوع غزل، با تکیه بر سبک‌شناسی لایه‌ای، لایه‌های واژگانی، نحوی و بلاغی آن را با ذکر نمونه‌هایی بررسی کرده‌اند.

- «کارکرد ایدئولوژی در لایه‌های سبکی داستان حسنک وزیر» (۱۳۹۴) نیز مقاله دیگری است که نویسندگان آن، حسن دلبری و فریبا مهری، تاریخ بیهقی را با رویکرد لایه ایدئولوژیک سبک مؤلف بررسی کرده‌اند. این پژوهش در لایه‌های واژگانی، نحوی و بلاغی انجام و در پایان این نتیجه حاصل شده است که هرچند بیهقی شخصاً بر بی‌طرفی خود اصرار دارد؛ اما به‌طور ناخودآگاه و در برخی از موارد کاملاً خودآگاه، باورها و نظریات خود را در متن تسری داده است و بسامد این بازتاب به ترتیب در بخش واژگان، نحو و بلاغت دیده می‌شود.

- آلتین بالیبار و پیرماشری (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «در باب ادبیات به مثابه شکل ایدئولوژیک»، ضمن تأکید بر این که ادبیات و تاریخ دو مقوله درهم‌تنیده هستند، با تکیه بر ایدئولوژی بورژوایی به این پرسش پاسخ می‌دهند که چگونه می‌توان در چارچوب منازعات ایدئولوژیک طبقاتی، متن ادبی را تبیین و تفسیر کرد.

- محمد رضا صرّفی و مرگن و نارجی (۱۳۹۴) نیز در مقاله‌ای با عنوان «سبک‌شناسی

لایه‌ای اشعار انقلابی و مذهبی طاهره صفّارزاده (لایه آوایی و واژگانی) که در نشریه ادبیّات پایداری چاپ شده است، در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که توجه به موسیقی درونی، برجسته‌سازی مفاهیم و مضامین، استفاده از ویژگی‌های نشان‌دار، تصویرسازی مخیّل و عاطفی، مخاطب محوری، مفهوم‌گرایی، تأکید بر نهادینه سازی مفاهیم دینی، انقلابی، انسانی، اجتماعی و صدای دستوری فعال، از ویژگی‌های بارز شعری او محسوب می‌شود و بر اساس یافته‌های آن‌ها، طاهره صفّارزاده یکی از شاعران صاحب سبک و دارای فردیت در زمینه ادبیّات انقلاب اسلامی و شعر مذهبی است.

و دسته‌ای دیگر مربوط به حوزه شعر انتظار است که عبارتند از:

- کتاب *صبحدم با ستارگان سپید* (۱۳۸۱) با تنظیم و گردآوری امیرمسعود طاهریان، که با عنوان فرعی نگاهی به بیست و پنج سال شعر معاصر مذهبی ایران معرفی شده، ضمن گذری مختصر بر پیشینه شعر مذهبی در ادبیّات کهن فارسی و نقش زبان، عاطفه، تخیل و تصویر در این گونه از سروده‌ها، مجموعه‌ای از اشعار مذهبی معاصر را در قالب دفترهای غزل، قصیده، مثنوی، دوبیتی، رباعی و شعر سپید و نیمایی گردآوری کرده است.

- کتاب *شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن* (۱۳۸۹) تألیف زهرا محدّثی خراسانی، که این اثر در ده فصل فراهم آمده است و مؤلف ضمن اشاره به مقتل نویسی و اشعار آیینی در عرب، سابقه شعر آیینی در ادبیّات فارسی را از دوره متقدّمین تا انقلاب اسلامی و پس از آن مورد بحث و بررسی قرار داده و در ادامه مجموعه‌ای از اشعار مورد نظر را تحت عناوین اشعار نبوی، علوی، فاطمی، رضوی، مهدوی و... تقسیم کرده است.

علاوه بر این موارد، مقالاتی هم در عرصه شعر انتظار نوشته شده است:

- مقاله «بررسی تطبیقی سیمای مهدی علیه السلام در شعر معاصر فارسی و عربی» (مورد پژوهانه: اشعار سیدرضا موسوی هندی، شیخ ابوالحب، سلمان هراتی و قیصر امین پور) (۱۳۹۲) یکی از این موارد است که در کاوش‌نامه ادبیّات تطبیقی دانشگاه رازی کرمانشاه منتشر شده است. نویسندگان این مقاله کبری خسروی، حسین چراغی‌وش و حدیث بابایی، با استناد به شواهدی از اشعار شاعران مذکور، به بررسی سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر معاصر فارسی و عربی ذیل مضامین مشترکی چون ولادت امام عصر، غیبت، انتظار، بشارت به ظهور منجی آخر الزمان، و توصیف ویژگی‌های مدینه فاضله پرداخته‌اند. از مجموع یافته‌های آنان چنین برمی‌آید که شاعران معاصر فارسی زبان، با

بیانی ادبی و با استفاده از تعبیر استعاری، کنایی، و تشبیهی سیمای امام مهدی علیه السلام را مدح و توصیف کرده‌اند؛ در حالی که توصیف سیمای مهدی موعود علیه السلام در سروده‌های شاعران عرب، بیشتر به صورت مستقیم دیده می‌شود.

- «بررسی انتظار به عنوان عنصر پایداری با تکیه بر شعر قیصر امین پور و سلمان هراتی» (۱۳۹۱) نوشته احمد امیری خراسانی و قاسم صدقیان زاده، پژوهش دیگری است که در آن نویسندگان کوشیده‌اند با تکیه بر آثار دو شاعر معاصر (امین پور و هراتی)، ماهیت پایداری مسئله انتظار را در جریان شعری دفاع مقدس مورد بررسی قرار دهند؛ همچنین تحلیل کارکردهای این مضمون در زمینه مقاومت و پایداری و تأثیرات آن بر حرکت ادبی دفاع مقدس، از اهداف این پژوهش یاد شده است.

- «بررسی واژه‌شناختی زبان شعر انتظار» (۱۳۸۹) نوشته مهیار علوی مقدم و زهرا بهرامیان، عنوان مقاله دیگری در این حوزه است. نگارندگان هدف از این مقاله را نقد و تحلیل و بررسی شعر انتظار در عرصه ادبیات معاصر و پس از انقلاب، از دیدگاه زبانی و بسامدی واژگان، تحلیل واژه‌شناختی و کارکردهای زبانی این گونه شعر و چگونگی پیوند با کارکردهای درون‌مایه‌ای آن معرفی کرده‌اند.

مبانی نظری تحقیق

هر علمی در تحلیل داده‌های خود و به منظور دستیابی به پاسخ‌های مناسب، نیازمند روشی دقیق و علمی است تا با استفاده از آن‌ها بتوان به نتایج حاصله اعتماد کرد. سبک‌شناسی نیز از این قاعده مستثنا نیست.

سبک‌شناسی بدون به کارگیری روشی مشخص، معنا و به تبع آن، کارآمدی چندانی ندارد؛ زیرا فاصله سبک تا سبک‌شناسی، گذر از تعریف به سوی ارائه روشی تحلیلی برای بررسی‌های سبکی اثر است و بدون طرح دقیق مباحث نظری و ارائه مکتبی که بتواند با شیوه‌ای خاص در تحلیل آثار کارآمد ظاهر شود، نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد (نیک‌منش، ۱۳۸۲: ۱۳۴).

۱. سبک‌شناسی لایه‌ای

وقتی سخن از سبک‌شناسی یک متن ادبی به میان می‌آید، غالباً سه جنبه از متن در نظر پژوهشگر، محوریت می‌یابد: زبان یا عناصر زبانی، عوامل زیبایی‌شناسی یا آن چه که

به عنوان وجوه ادبی کلام، شناخته می شود و فکریا درون مایه ای که بر متن حاکم است و بر مبنای همین نگاه است که در بیشتر پژوهش های سبک شناسی ای که تاکنون انجام شده است، متون ادبی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری، به روشی که در کتاب کلیات سبک شناسی شمیسا آمده است، بررسی می شده اند (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۴۸-۲۱۳).

در تلقی سبک شناسی مدرن که از آن با عنوان سبک شناسی لایه ای یاد می شود، زبان شبکه ای است نظام مند از آواها و واژگان که در پیوندی سازمان یافته بر مبنای الگوهای خاص زبانی به کار گرفته می شود تا در اولین رسالت خود که انتقال پیام و اطلاع رسانی است، معنا و مفهوم مورد نظر گوینده یا نویسنده را به مخاطب و خواننده منتقل کند؛ از همین روی، می توان ادعا کرد که هر متن نوشتاری، حاصل هماهنگی عناصر و سطوح مختلف زبانی است که در شکلی هدفمند و سامان یافته تولید شده است؛ بنابراین همچنان که در تولید یک متن، عناصر مختلف زبانی دخیل اند، در بررسی سبک شناسانه آن، باید در نخستین گام، به سراغ همان عناصر سازه ای رفت.

مدل سبک شناسی لایه ای، با کاربرد چنین روشی در پی شناخت دقیق تر و جزئی تر مختصات سبکی است و بر اساس همین دقت نظر، این مدل می کوشد متن را در پنج لایه آوایی، واژگانی، نحوی، معنی شناسیک و کاربرد شناسیک بررسی کند؛ البته فتوحی رود معجنی در بررسی واکاوی متون شعر، به جای لایه های معنی شناسی و کاربرد شناسی، لایه های بلاغی و ایدئولوژیک را پیشنهاد می دهد؛ زیرا به باور او، لایه بلاغی در واقع، همان سطح معنی شناسی سبک را بررسی می کند (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۳۹)؛ او همچنین درباره کاربرد لایه ایدئولوژیک به جای کاربرد شناسی می گوید:

متن ادبی پس از نگارش و انتشار حیات می یابد و در گذر تاریخ، پیوسته زنده، پویا و شناور در بی زمانی است. این ویژگی از آن جا برمی خیزد که نویسنده، پیوسته رد پای من فردی و زمان و مکان را در نوشتارش پاک می کند؛ بنابراین دسترسی به بافت برون متنی به آن معنایی که در زبان شناسی بررسی می شود، در متن ادبی تقریباً دشوار است. ما در بررسی های ادبی، لایه بافتی را باید به اعتبار هر خواننده، جداگانه بررسی کنیم؛ از این رو به اقتضای سبک شناسی ادبی، بحث از لایه کاربرد شناختی را بیشتر معطوف به تأثیرات ایدئولوژیک و عقاید نویسنده بر زبان کرده ایم و اطلاق «لایه ایدئولوژیک» در سبک شناسی لایه ای چنین مبنایی دارد (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۴۰).

۲. سبک‌شناسی ایدئولوژیک

از آن جایی که ادبیات، به عنوان یکی از عرصه‌های حضور ایدئولوژی شناخته می‌شود و درباره آن این عقیده مطرح است که، ادبیات «واقعیت اجتماعی را به شیوه‌ای تقریباً مستقیم بازتاب [می‌دهد] یا بازآفرینی می‌کند، یا دست کم باید بکند» (ایگلتون، ۱۳۸۳: ۷۵)؛ رسیدن به مفهوم روشنی از ایدئولوژی پیش از ورود به مبحث سبک‌شناسی به نظر ضروری است.

تعاریف بسیاری برای ایدئولوژی ارائه شده است؛ به عنوان مثال، مارکس، ایدئولوژی را به معنای دیدگاهی می‌داند که مردم بر طبق آن جهان را معنا می‌کنند که شاید ناگزیر ربطی به واقعیت هم نداشته باشد (آشوری، ۱۳۸۰: ۴۴). مانهایم، ایدئولوژی را شامل نظام‌های به هم بافته تفکرو شیوه‌های تجربه‌ای می‌داند که شرایط اجتماعی، آن‌ها را مشخص کرده و گروه‌های جامعه، از جمله افراد درگیر در تحلیل ایدئولوژی، در آن سهیم هستند (Mannheim, 1971: 60). این واژه آن‌چنان دایره شمول گسترده‌ای دارد که برخی از جامعه‌شناسان، آن را معادل فرهنگ یک جامعه تلقی کرده‌اند (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۴۴).

هرچند ایدئولوژی را در مفهوم خاص آن برای اشاره به هر نظامی از هنجارها و باورها به کاربرده‌اند که نگرش‌های اجتماعی و سیاسی یک گروه، طبقه اجتماعی یا جامعه را به عنوان یک کل، هدایت می‌کند (مکاریک، ۱۳۹۰: ۴۴)؛ اما ایدئولوژی را می‌توان نظامی از انگاره‌ها و قضاوت‌هایی دانست که به صورت بسیار درهم‌تنیده و سازمان‌یافته، موقعیت یک گروه و یا جامعه را تفسیر و تبیین می‌کند. این نظام، جدای از مثبت یا منفی بودنش، تحت تأثیر ارزش‌های پذیرفته‌شده، جهت مشخص و معینی را در کنش‌های اجتماعی پیشنهاد می‌دهد.

برداشتی که از ایدئولوژی در سبک‌شناسی متون وجود دارد، بیشتر مفهوم عام آن و در معنای نگرش و جهان‌اندیشگانی صاحب اثر یا متن است. در این دیدگاه، ایدئولوژی را می‌توان درباره مجموعه‌ای منسجم از ایده‌ها به کاربرد که اهداف، آرزوها، کنش‌ها و داوری‌های افراد را بیان و هدایت می‌کند (رشیدیان، ۱۳۹۳: ۵۷).

بررسی ایدئولوژی در تجزیه و تحلیل متون از چنان جایگاهی برخوردار است که برخی بر این باورند که آن چه متن را شکل می‌دهد، ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌های حاکم بر آن

است و از این نظر هیچ متنی وجود ندارد که خنثی و خالی از ایدئولوژی باشد؛ بلکه همه متون جهت‌دار و دارای سطوحی از بارهای ایدئولوژیکی و تفسیری‌اند (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۸۳). پیرو این سخن شاید این سؤال در ذهن ایجاد شود که آیا ایدئولوژی، خاصیتی متعلق به ساختارهای زبان است، یا به رویدادها و خدادهای زبانی برمی‌گردد؟ نورمن فرکلاف (Norman Fairclough)، زبان‌شناس و پژوهشگر بریتانیایی و از بنیان‌گذاران تحلیل‌گفتمان انتقادی که در آن ایدئولوژی، یکی از پایه‌ای‌ترین مفاهیم محسوب می‌شود، در این باره معتقد است که این ویژگی به هر دو حوزه برمی‌گردد. به عقیده او این معانی هستند که بار ایدئولوژیکی می‌گیرند و منظور از معانی، عمدتاً معانی واژگانی است؛ اما در کنار این معانی واژگانی، مقوله‌هایی مانند پیش‌فرض‌ها، اشاره‌های ضمنی، استعاره‌ها و انسجام‌ها که همگی جنبه‌هایی از معنا را تشکیل می‌دهند، نیز مهم هستند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۸).

به باور فتوحی، ایدئولوژی در همه عناصر زبان و در تمام سطوح آن از نظام آوایی گرفته تا واژگان و ساخت‌های نحوی و عناصر بلاغی قابل بررسی است. او معتقد است، ایدئولوژی به دو صورت بازتاب می‌یابد و از این نظر با دو گونه متن مواجهیم: یا این بازتاب کاملاً آشکار و با شفافیت است که نشان از تعلق متن به یک گروه اجتماعی یا گفتمان خاص دارد و می‌توان مبانی ایدئولوژیکی آن گروه یا گفتمان خاص را در سطوح مختلف آن متن دید و یا این بازتاب، محسوس نیست و در این حالت با گروهی از متن‌ها سروکار داریم که ایدئولوژی در آن‌ها به طور ضمنی و پوشیده حضور دارد و کشف آن تبخّر خاص خود را می‌طلبد. در گروه دوم، مفاهیم ارزش‌های ایدئولوژیکی غالباً به مدد شگردهای بیانی ضمنی، با صناعات ادبی و ابهام‌های هنری پنهان شده است؛ بر همین اساس، وی برای دستیابی به ایدئولوژی یک متن ادبی، سه سطح از بررسی و ارزیابی را پیشنهاد می‌دهد: ارزیابی ایدئولوژی در لایه‌های واژگانی، نحوی و بلاغی (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۵۰-۳۵۴). که مورد پژوهش این مقاله، لایه واژگانی آن است.

اولین و مهم‌ترین ابزار نویسنده یا شاعر در حمل اندیشه‌ها و عواطف، واژگان اوست و بر همین اساس، کاملاً طبیعی است که اولین برخورد خواننده با متن و دریافت او از آن چه که نویسنده مدّ نظر داشته است، نیز از طریق همین واژه‌ها و در راستای آن‌ها صورت پذیرد و شاید از همین روست که برخی از زبان‌شناسان برای واژه اهمیت‌تی حتی فراتر از یک ابزار

قائلند؛ چنان که شک洛夫سکی^۱ واژگان را نه تنها ابزار دست نویسندۀ هنرمند؛ که آن را مادۀ اصلی کار او می داند (خلیلی جهان تیغ، ۱۳۸۰: ۱۷۵).

لایۀ واژگانی سبک، محلّ بررسی نوع واژه‌هایی است که یک نویسندۀ یا شاعر به کار می برد. اهمیت بررسی واژگان در سبک یک متن، تا آن جاست که بسیاری سبک را هنر واژه‌گزینی می دانند (simpson, 2004: 4). هر واژه در واقع تباری تاریخی و اجتماعی دارد که با بخشی از ذهنیت فرد نویسندۀ همراه شده است (صدیقی، ۱۳۹۰: ۲۴۹) و بیانگر نگرش او به جهان و مسائل پیرامون وی می باشد.

در لایۀ واژگانی، واژه‌ها از حیث ارزشی به دودستۀ واژگان خنثی یا بی‌نشان (unmarked) و واژگان غیرخنثی یا نشان‌دار (marked). تقسیم می شوند. در پژوهش‌های سبک‌شناسی، بررسی واژه‌های نشان‌دار و بسامد آن‌ها در متن بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا از آن‌جا که «بشر در قالب زبان می‌اندیشد و اندیشیدن، خود نوعی سخن گفتن است، انتخاب واژه‌های مناسب برای مفاهیم و پدیده‌های عالم بیرون از ذهن، وابسته به آن مفاهیم است» (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۶: ۳).

واژه‌ها علاوه بر مصداق‌های خاص خود، در بردارندۀ نگرش و طرز تلقی نویسندۀ یا گویندۀ نیز می باشند؛ بنابراین واژه‌های بی‌نشان، تنها نمادی از واقعیت‌اند و به مصادیق ذاتی و تجربیدی اشاره دارند؛ در حالی که واژه‌های نشان‌دار علاوه بر اشاره به مصادیق خاص، برای ایدئولوژی نویسندۀ یا گویندۀ اصطلاحاً پدیدآورندۀ متن دلالت دارند (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۳۴).

بحث

سرایش شعرهای آیینی از گذشته‌های دور در ادب فارسی مسبوق به سابقه است و اولین نمونه‌های آن را می‌توان در دیوان شاعری چون کسایی دید. از دوران مشروطه به بعد، رویکرد شاعران به این گونه از سروده‌ها در قالب‌های ترجیع‌بند، ترکیب‌بند و مثنوی بیشتر شد و سرایش آن در دهه‌های اخیر به ویژه بعد از انقلاب اسلامی، با تداول غزل به عنوان قالب مسلط شعر معاصر، به شکل فزاینده‌ای رواج یافت.

1. Shkolovsky

در میان غزل‌های آیینی، غزل‌های انتظار به دلیل حمل باورها و انگاره‌های ایدئولوژیک، برجستگی بیشتری دارند. پیش از بررسی غزل‌های انتظار در سطح واژگانی، نگاهی به درون‌مایه‌های این سروده‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

۱. درون‌مایه غزل‌های انتظار معاصر

درون‌مایه از اصطلاحات پرکاربرد ادبیات فارسی است؛ اما با وجود این، در بسیاری موارد، مفهوم مشخص و محدودی ندارد و تسامحاً، مترادف با موضوع و مضمون هم به کار می‌رود و همین مسئله ارائه تعریفی مستقل از آن را دشوار کرده است؛ چنان‌که در تعریف آن آورده‌اند: درون‌مایه یا مضمون، مشتمل بر مفاهیم جزئی محتوای یک سروده است (آجودانی، ۱۳۷۱: ۲۰۹)؛ همچنین در این باره (ابوت، ۱۳۹۷: ۴۱۳)؛ اما برخی میان مضمون و درون‌مایه، تفاوت قائل شده‌اند؛ چنان‌که زرقانی در «چشم‌انداز شعر معاصر ایران»، مضمون را جزئی‌تر دانسته و درون‌مایه را معادل اندیشه شعری می‌داند که خود حاوی مضامین شعری است (زرقانی، ۱۳۸۴: ۳۴). در فرهنگ‌نامه ادب فارسی هم در تعریف آن آمده است:

درون‌مایه مفهومی زیربنایی و انتزاعی است که از موضوع اثر ادبی به وجود می‌آید و اجزاء متعدّد و بخش‌ها و موقعیت‌های آن را به یکدیگر پیوند می‌دهد (انوشه، ۱۳۷۵: ۵۷۸).

میرصادقی در میان عناصر داستانی، آن را فکر و اندیشه حاکم بر اثر ادبی می‌داند که جهت فکری و ادراکی نویسنده اثر را نشان می‌دهد (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۱۷۴). شمیسا در نقد ادبی، ضمن متمایز ساختن درون‌مایه از موضوع به جهت عدم صراحتش، آن را ایده و مفهوم مهم و مکرر و گسترده اثر ادبی معرفی می‌کند (شمیسا، ۱۳۸۱: ۴۳۷). بر مبنای تعاریف بالا، چنین به نظر می‌رسد که درون‌مایه یا تیم (Theme)، باید یک شبکه منسجم از محتوا یا مفاهیمی باشد که به طور غیر صریح، ایده و فکر نویسنده یا شاعر را در سراسر اثر و توزیع و تکرار می‌کند. غزل‌های انتظار از این دیدگاه به سه دسته قابل تقسیم‌اند:

الف) گونه‌ای که در آن روح امیدواری به آمدن منجی و بهبود دیده می‌شود: کوچه‌های شهر ما ویران نمی‌ماند عزیز

کاروبار عشق بی سامان نمی ماند عزیز
خواهش سرشاخه های بی رمق گل می کند
آفتاب این گونه سرگردان نمی ماند عزیز
یک نفر گل می کند با جنگلی درکوله بار
نارون تنهای کوهستان نمی ماند عزیز
یک نفر فردا زمین را نورباران می کند
مهدی ما تا ابد پنهان نمی ماند عزیز
(دلبری، ۱۳۸۲: ۴۶)

ب) گونه ای حزن آمیز که در آن شاعر، فضایی سرشار از ناامیدی و یأس را ترسیم می کند:
بیاکه آینه روزگار زنگاری است
بیاکه زخم زبان های دوستان کاری است
به انتظار نشستن در این زمانه یأس
برای منتظران، چاره نیست، ناچاری است
به این خوشیم که یک شب به نام تان شادیم
تمام سال اگر کارمان عزاداری است
نه این که جمعه فقط صبح زود بیدارند
که کار منتظرانت همیشه بیداری است
(بیابانکی، ۱۳۹۲: ۹-۱۰)

ج) گونه ای که تمام غزل، بهانه ای است برای اعتراض به زمانه و ناخوشایندی های آن:
آقا دروغ ها همه باورش شدند آه
خورشیدهای سوخته پرپر شدند آه
آری تونیستی و خسان سیاهکار
درسگه های زرد شناور شدند آه
از بس نیامدی همه سروهای سبز
با بوته های خار برابر شدند آه

جای درخت‌های بلند بهشت پوش
 یک مشت نادرخت تناور شدند آه
 یوسف بیا که مردم آبادی هبوط
 با گرگ‌های بیشه برابر شدند آه
 (حسین‌خانی، ۱۳۸۷: ۳۰)

۲. واژه‌های نشان‌دار غزل‌های انتظارِ معاصر

در غزل‌های انتظارِ معاصر، با گروهی از واژگان واجهیم که نه تنها می‌توان از آن‌ها با عنوان واژه‌های نشان‌دار در این نوع ادبی یاد کرد؛ که از نظر پژوهش‌های سبک‌شناسانه، به دلیل بسامد بالای به کارگیری، بسیار حائز اهمیت‌اند و نشان از باورهای ایدئولوژیکی طیف خاصی از شاعران باورمند به این عقیده مشترک دینی دارند؛ از همین روی می‌توان این واژه‌ها را در حکم سرنخ‌های مشترکی از حضور این سطح از ایدئولوژی و نظام حاکم بر ذهن و زبان شاعرانی دانست که باورمندانه در غزل خود، مسئله انتظار را مورد توجه قرار داده و به آن پرداخته‌اند. از آن جایی که مفهوم اعتقادی این واژه‌ها، گویا هستند و توضیح بیشتر، اطاله کلام است و در مجال این مقاله نمی‌گنجد، در ادامه، تنها به ذکر نمونه‌هایی از غزل‌های انتظارِ معاصر، با تأکید بر واژه‌های نشان‌دار، اکتفا می‌شود. لازم به ذکر است که در بسیاری از این سروده‌ها، علاوه بر عناوین مورد نظر، با طیف وسیعی از واژگان نشان‌دار دیگر نیز مواجهیم که مشخص شده‌اند. مهم‌ترین واژه‌های نشان‌دار در غزل‌های انتظارِ معاصر عبارتند از:

الف) انتظار، منتظر، منتظران

شکفت غنچه و بنشست گل به بارِیا
 دمید لاله و سوری زهرکنارِیا
 بهار آمد و نشکفت باغ خاطر ما
 تـوای روان سحر، روح نوبهارِیا
 چه مایه صبر مگر هست بی‌قراران را
 ز حد گذشت دگر رنج انتظارِیا
 (شاه‌رخ، ۱۳۸۶: ۹۷-۹۸)

آه می کشم تو را با تمام انتظار

پر شکوفه کن مرا ای کرامت بهار

(قزوه، ۱۳۷۸: ۲۵)

بیاکه آینه روزگار زنگاری است

بیاکه زخم زبان های دوستان کاری است

به انتظار نشستن در این زمانه یأس

برای منتظران، چاره نیست، ناچاری است

به این خوشیم که یک شب به نام تان شادیم

تمام سال اگر کارمان عزاداری است

نه این که جمعه فقط صبح زود بیدارند

که کار منتظرانت همیشه بیداری است

(بیابانکی، ۱۳۹۲: ۹-۱۰)

در انتظار تو ای امتداد روشن وحی

خوش است روح غزل، مست و آتشین باشد

در انتظار تو می میرم و نمی آیی

همیشه قصه جان های عاشق این باشد

(نجاتی، ۱۳۸۷: ۲۴۱)

(ب) آینه

اگر روزی تو را می یافتم از ناکجا هایت

سرم را با دو دستم می نهادم پیش پاهایت

اگر چه عاشقم اما تو ای آینه باور

نمی فهمم دلیل وعده امروز و فردایت

(کاکایی، به نقل از طاهریان، ۱۳۸۱: ۱۵۸)

گل می دهم به روی بهاری که می رسد

چشمم به در به دیدن یاری که می رسد

تکرار می شود غزل انتظار من

هر شب به نام آینه داری که می رسد

(محبوبه بزم آرا به نقل از محدثی خراسانی، ۱۳۸۹: ۳۱۰)

چه غوغا می کند آینه و قندیل در چشمت

اگر روزی بخشکد موج رود نیل در چشمت

کسی تورات را با لهجه سبز نگاهت خواند

گل مریم بهار آورده با انجیل در چشمت

(حسین دارند، به نقل از طاهریان، ۱۳۸۱: ۱۵۸)

(ج) نرگس

شبی با نسیم سحر خواهد آمد

گل از پرده روزی به در خواهد آمد

گل باغ نرگس زبستان زهرا

چون نور حسن، جلوه گر خواهد آمد

(کی منش، ۱۳۸۶: ۱۹۶)

تنگ شد در این قفس ما را نفس، کی خواهی آمد؟

یک نفس ای دوست باقی مانده، پس کی خواهی آمد

چشم بر راه تو آخر چند بنشینیم گریان

باز گوی آخرین فریادرس، کی خواهی آمد؟

حسرت یک لحظه بوی نرگس از پای تا سر

یک شبم در خواب خونین قفس، کی خواهی آمد؟

(صالحی، ۱۳۸۶: ۱۹۳-۱۹۴)

همین است ابتدای سبز اوقاتی که می گویند

وسرشار گل است آن ارتفاعاتی که می گویند

بشارت زلالی از طلوع تازه نرگس

پیایی می وزد از سمت میقاتی که می گویند

(زکریا اخلاقی، به نقل از طاهریان، ۱۳۸۱: ۱۶۱)

بی تو دلگیر است دلگیر است عصر جمعه‌ها

بوی نرگس می‌دهد پس کوچه‌های شهر ما

از کلاس عمرمان یک جمعه دیگر گذشت

باز غیبت خورد پای اسم زیبای شما

(محمّدی، به نقل از محدّثی خراسانی، ۱۳۸۹: ۳۰۴)

(د) سبز

بیابان در بیابان طرح اقیانوس دردست است

ویک صحرا پراز گل‌های نامحسوس دردست است

صدای پای نسلی در طلوع صبح پیچیده ست

که او را آخرین آئینه مأنوس دردست است

من از این سمت می‌بینم سواری را واسبی را

افق‌ها سبز در سبزند و اوفانوس دردست است

(اخلاقی، ۱۳۷۸: ۲۱)

بیا موعود! حسن مطلع این شعر نام توست

و با هرواژه ضرباهنگ پولادین گام توست

شبانه آفتابی شو که آئینه در آئینه

تمام چشمه‌ها همراز خورشید همام توست

پراز رنگین‌کمان است آسمان در نقش پرچم‌ها

برافروز آن شکوه سبز را وقت قیام توست

(اکبری، به نقل از طاهریان، ۱۳۸۱: ۱۵۵)

(ه) شرق، اشراق، مشرق

طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی

ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی

دوباره پلک دلم می‌پرد نشانه چیست؟

شنیده‌ام که می‌آید کسی به مهمانی

کسی که سبزتر است از هزار بار بهار

کسی شگفت کسی آن چنان که می دانی

(امین پور، ۱۳۷۵: ۸۷)

مضامین طراوت ذوق باران، روح شورانگیز دریایی

زالال آواز، مثل خاطرات چشمه در شعرم شکوفایی

نگاهم روبه روشد با نگاهت، اتفاق افتاد، وسعت یافت

شبیه بی نهایت در شروع شرقی آینه پیدایی

شبیه مثل فرودت در غزل، در ساکنان شوق نازل شو

که ای وحی مجسم، نور جاری، قبله اشراق دل هایی

(عمرانی، ۱۳۸۰: ۴۷)

(و موعود

در باغ، گل بر آتش نمرود می رسد

با شعر با صدای دف و عود می رسد

از دست های سبز دعا باز گل کنید

هر چند زود رفته ولی زود می رسد

جزاوبه هیچ حادثه ای دل نبسته ایم

موعود جمعه، جمعه موعود می رسد

(فرجی، ۱۳۸۷: ۲۲۷)

تمام خاک را گشتم به دنبال صدای تو

بین باقی ست روی لحظه هایم جای پای تو

صدایم از تو خواهد بود اگر برگردی ای موعود

پراز داغ شقایق هاست آوازم برای تو

تورا من با تمام انتظارم جست و جو کردم

کدامین جاده امشب می گذارد سربه پای تو؟

(میرشکاک به نقل از میرجعفری، ۱۳۷۶: ۹۲)

تنها گواه پرسه ام در جست و جوی آخرین موعود

از کوچه آینه تا بن بست حیرت سایه من بود

مهر آرم

سال دهم، شماره ۲۳، پائیز ۱۳۹۶

۲۰

آری تمام خاک را گشتم به دنبال صدای تو
 اما زمین- پژواک سرد آسمان- بر من دری نگشود
 موعود فردای مرا با خود کجا بردی که با فریاد
 مرگم درودی می فرستد، زندگی می گویدم: بدرود
 (میرشکاک، به نقل از طاهریان، ۱۳۸۱: ۱۶۲)

ن ظهور

دم طلوع تو باید چه دلنشین باشد
 و عاشقانه ترین لحظه زمین باشد
 توافقی بیفتی در آسمان ظهور
 برای گام تو چشم من اولین باشد
 (نجاتی، ۱۳۸۷: ۲۴۱)

بتی که راز جمالش هنوز سر بسته ست
 به غارت دل سوداییان کمر بسته ست
 بیا که مرغک چشمان عاشقان، همه شب
 میان، به سلسله اشک تا سحر بسته ست
 هزار سد ضلالت شکسته ایم و کنون
 قوام ما به ظهور تو منتظر، بسته است
 (طهماسبی، ۱۳۷۵: ۳۹)

دل به داغ بی کسی دچار شد نیامدی
 چشم ماه و آفتاب، تار شد نیامدی
 سنگ های سرزمین من در انتظار تو
 زیر سم اسب ها غبار شد نیامدی
 عمر انتظار ما حکایت ظهور تو
 قصه بلند روزگار شد نیامدی
 (کاکایی، ۱۳۷۸: ۴۶)

فروغ بخش شب انتظار آمدنی است
 رفیق آمدنی، غمگسار آمدنی است

صدای شیهه رخس ظهور می آید

خبر دهید به یاران سوار آمدنی است

(امیری اسفندقه، ۷:۱۳۷۸)

(ح) جمعه، آدینه

به دنبال تومی گردم نمی یابم نشانت را

بگو باید کجا جویم مدار کهکشان را

الا ای آخرین توفان پیچ از شرق آدینه

که دریا بوسه بنشانند لب آتش نشانت را

(اسرافیلی، ۳۸:۱۳۸۶)

دل را پر از طراوت عطر حضور کن

آقا تو را به حضرت زهرا ظهور کن

آخر کجایی نوگل خوشبوی فاطمه

برگرد و شهر را پر از امواج نور کن

شب های جمعه یاد تو میداد می کند

آدینه ای زکوچۀ دنیا عبور کن

(نجانی، ۲۷۷:۱۳۸۷)

صبح بی تو، رنگ یک بعد از ظهر آدینه دارد

بی توحّتی مهربانی حالتی از کینه دارد

بی تومی گویند تعطیل است کار عشق بازی

عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد

(امین پور، ۱۳۶۴:۱۳۳)

دست تو باز می کند پنجره های بسته را

هم تو سلام می کنی رهگذران خسته را

دوباره پاک کردم و به روی رف گذاشتم

آینه قدیمی غبار غم شکسته را

شب به سحر رسانده ام، دیده به در نشانده ام

چشم به راه مانده ام جمعه عهد بسته را

(محمودی، ۱۳۶۹: ۱۰۰)

ک) صبح، طلوع، سپیده، آفتاب، خورشید

پس کی طلوع می کنی؟ آغاز ناتمام

کی؟ از کدام دشت؟ کدام آسمان؟... کدام

وقتی طلوع می کنی از مشرق جهان

قم، جمکران، مدینه تورا می دهد سلام

در پای انتظار قریب تو سوختیم

با بیرق سپید محبت بیا امام

(فرجی، ۱۳۸۷: ۲۷۵-۲۷۶)

صدای سم سمند سپیده می آید

یلی که سینه ظلمت دریده می آید

گرفته بیرق تابان عشق را بردوش

کسی که دوش به دوش سپیده می آید

طلوع برکه خورشید تابناک دل است

ستاره ای که ز آفاق دیده می آید

(مردانی، ۱۳۸۶: ۱۶۵)

در پشت این دریای بی حاصل، باید دیار دیگری باشد

باید به جز چشمان ما آن جا، چشم انتظار دیگری باشد

آنان که خورشید حضورت را، در آسمان دل نمی بینند

در باور موهوم شان شاید، پروردگار دیگری باشد

این روزها این روزهای سرد، باید برای عشق کاری کرد

می دانم ای موعود می آیی، تا روزگار دیگری باشد

(میرجعفری، ۱۳۷۸: ۸۲)

(ط) آقا

آقا چقدر فاصله، اندوه، انتظار
فکری برای این سفر راه دور کن
زین کن سمند حادثه را تکسوار عشق
جان را پراز شراره غوغا و شور کن
آقا چقدر ضجه زنیم و دعا کنیم
یا بازگرد یا دل مار را صبور کن
(نجاتی، ۱۳۸۷: ۲۲۷)

ای جانِ جانِ جهان‌های مختلف
ایمان عاشقانه جان‌های مختلف
ما مانده‌ایم چون رمه‌هایی رها شده
در گرگ و میشِ ذهن شبان‌های مختلف
دارد یقین چوبی مان تیغ می‌خورد
در آتش هجوم گمان‌های مختلف
آقا! در آبه عرصه هیجای روزگار
ما را بگیر از هیجان‌های مختلف
(مؤدب، به نقل از محدثی خراسانی، ۱۳۸۹: ۳۱۲)

نتیجه‌گیری

از مجموع یافته‌های مقاله حاضر این نتیجه حاصل می‌شود که گونه ادبی غزل انتظارِ معاصر را می‌توان از حیث درون‌مایه، به غزل‌های شاد و امیدوارانه که در آن روح امیدواری به آمدن منجی و بهبود دیده می‌شود، غزل‌های حزن‌آمیز که در آن شاعر فضایی سرشار از ناامیدی و یأس را ترسیم می‌کند و غزل‌هایی که تمام سروده، بهانه‌ای است برای اعتراض به زمانه و ناخوشایندی‌های آن، تقسیم کرد؛ همچنین بررسی این سروده‌ها از نظرگاه واژه‌های نشان‌دار لایه ایدئولوژیک سبک، گویای این نکته است که شاعران غزل‌سرای باورمند به مسئله انتظار، با استخدام طیف خاصی از واژگان مشترک، علاوه بر بیان

مفاهیم عقیدتی خود در این زمینه، در سطح واژگانی، موجب نوعی تفرد سبکی در این گونه ادبی شده‌اند. عمده‌ترین این واژگان نشان‌دار عبارتند از: انتظار/ منتظر/ منتظران، آینه، نرگس، سبز، شرق/ اشراق/ مشرق، موعود، ظهور، جمعه/ آدینه، صبح/ طلوع/ سپیده‌دم/ آفتاب/ خورشید، آقا.

منابع

- آجودانی، ماشاء الله، *یا مرگ یا تجدد*، تهران: زوّار، اول، ۱۳۷۱.
- آشوری، داریوش، *دانشنامه سیاسی* (فرهنگ اصطلاحات و مکتب های سیاسی)، تهران: مروارید، ششم، ۱۳۸۰.
- آقاگل زاده، فردوس، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵.
- ابوت، اچ. پورتر، *سواد روایت*، ترجمه رؤیا پورآذر و نیما م. اشراقی، تهران: اطراف، ۱۳۷۹.
- اخلاقی، زکریا، *تبسم های شرقی*، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۷۸.
- اسرافیلی، حسین، *رد پای صدا*، تهران: تکا، اول، ۱۳۸۶.
- امیری اسفندقه، مرتضی، *گزیده ادبیات معاصر*، تهران: کتاب نیستان، اول، ۱۳۷۸.
- امیری خراسانی، احمد وقاسم صدقیان زاده، «بررسی انتظاریه عنوان عنصر پایداری با تکیه بر شعر قیصر امین پور و سلمان هراتی» *نشریه ادبیات پایداری*، سال سوم، شماره ۵، ۱۳۹۱.
- امین پور، قیصر، *تنفس صبح*، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، دوم، ۱۳۶۴.
- _____، *آینه های ناگهان*، تهران: افق، دوم، ۱۳۷۵.
- انوشه، حسن، *دانشنامه ادب فارسی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۷۵.
- ایگلتون، تری، *مارکسیسم و نقد ادبی*، ترجمه اکبر معصوم بیگی، تهران: دیگر، ۱۳۸۳.
- بالیبار، آتین و ماشری، پیر، «در باب ادبیات به مثابه شکل ایدئولوژیک»، ترجمه ماندانا منصوری، *مجله هنر و معماری: زیباشناخت*، شماره ۱۷، ۱۳۸۶.
- بیابانکی، سعید، *چقدر پنجره*، تهران: شهرستان ادب، اول، ۱۳۹۲.
- حسین خانی، حامد، *از این بهشت موازی*، تهران: تکا، اول، ۱۳۸۷.
- خسروی، کبری؛ حسین چراغی وش و حدیث بابایی، «بررسی تطبیقی سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر معاصر فارسی و عربی (مطالعه مورد پژوهانه: اشعار سیدرضا موسوی هندی، شیخ محسن ابوالحب، سلمان هراتی و قیصر امین پور)» *کاوش نامه ادبیات تطبیقی*، سال سوم، شماره ۱۱، ۱۳۹۲.
- خلیلی جهان تیغ، مریم، *سیب باغ جان* (جستاری در ترنندها و تمهیدات هنری غزل

- هنری مولانا)، تهران: سخن، اول، ۱۳۸۰.
- جان احمدی، فاطمه، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم: دفتر نشر معارف، سوم، ۱۳۸۸.
- دلبری، حسن، *پس لرزه های عشق*، سبزوار: ابن یمین، اول، ۱۳۸۲.
- دلبری، حسن و فریبا مهری، «کارکرد ایدئولوژی در لایه های سبکی داستان حسنک وزیر»، *متن شناسی ادب فارسی*، دوره جدید، شماره ۲ (پیاپی ۲۶)، ۱۳۹۴.
- دلبری، حسن، ابوالقاسم قوام، سید حسین فاطمی و سمیرا بامشکی، «غزل نوکلاسیک و لایه های ایدئولوژیک سبک در آن»، *مجله ادبیات انقلاب اسلامی*، دوره اول، شماره اول، ۱۳۹۳.
- رشیدیان، عبدالکریم، *فرهنگ پسامدرن*، تهران: نی، ۱۳۹۳.
- روزبه، محمدرضا، *حرف هایی برای نگفتن*، تهران: قو، دوم، ۱۳۸۲.
- زرقلی، سید مهدی، *چشم انداز شعر معاصر ایران*، تهران: ثالث، دوم، ۱۳۸۴.
- شاهرخ، محمود، *اعجاز درد*، تهران: تکا، اول، ۱۳۸۶.
- شکارسری، حمید، *تروریست عاشق*، تهران: تکا، چهارم، ۱۳۸۹.
- شمیسا، سیروس، *نقد ادبی*، تهران: میترا، اول، ۱۳۸۱.
- _____، *کلیات سبک شناسی*، تهران: میترا، ۱۳۸۶.
- صدیقی، مصطفی، *قلمرو نقد و نظریه ادبی*، شیراز: نوید، اول، ۱۳۹۰.
- صرفی، محمدرضا و ونارجی، مرگان، «سبک شناسی لایه ای اشعار انقلابی و مذهبی طاهره صفارزاده (لایه آوایی و واژگانی)»، *نشریه ادبیات پایداری*، سال هفتم، شماره ۱۲، ۱۳۹۴.
- طاهریان، امیرمسعود، *صبحدم با ستارگان سپید: نگاهی به بیست و پنج سال شعر مذهبی ایران*، مشهد: شرکت به نشر، اول، ۱۳۸۱.
- طهماسبی، قادر، *عشق بی غروب*، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۷۵.
- علوی مقدم، مهیار و زهرا بهرامیان، «بررسی واژه شناختی زبان شعر انتظار»، *نشریه ادبیات پایداری*، سال اول، شماره ۲، ۱۳۸۹.
- عمران، خلیل، *گزیده ادبیات معاصر*، تهران: کتاب نیستان، اول، ۱۳۸۰.
- فتوحی رود معجنی، محمود، *سبک شناسی (نظریه ها، رویکردها و روش ها)*، تهران:

- سخن، اول، ۱۳۹۰.
- فرجی، مهدی، شب بی شعر، تهران: تکا، اول، ۱۳۸۷.
- فرکلاف، نورمن، تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه، ۱۳۷۹.
- قزوه، علیرضا، گزیده ادبیات معاصر، تهران: نیستان، اول، ۱۳۷۸.
- _____، ادبیات معاصر، تهران: نیستان، اول، ۱۳۸۹.
- کاکایی، عبدالجبار، گزیده ادبیات معاصر، تهران: نیستان، اول، ۱۳۷۸.
- کی منش، عباس (مشفق کاشانی)، کهکشان آبی، تهران: تکا، اول، ۱۳۸۶.
- محدثی خراسانی، زهرا، شعرآیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا، دوم، ۱۳۸۹.
- محمودی، سهیل، فصلی از عاشقانه ها، تهران: همراه، اول، ۱۳۶۹.
- مردانی، نصرالله، مست برخاستگان، تهران: تکا، اول، ۱۳۸۶.
- مکاریک، ایرناریم، دانش نامه نظریه های ادبی معاصر، تهران: آگه، چهارم، ۱۳۹۰.
- میرجعفری، سید علی اکبر، حرفی از جنس زمان: تأملی در شعر انقلاب اسلامی، تهران: قو، ۱۳۷۶.
- _____، گزیده ادبیات معاصر: تهران: نیستان، اول، ۱۳۷۸.
- میرصادقی، جمال، عناصر داستان، تهران: سخن، پنجم، ۱۳۸۵.
- نجاتی، پروانه، شکستی ترازانم، تهران: تکا، اول، ۱۳۸۷.
- نیک منش، مهدی، «طرحی در طبقه بندی سبک های ادبی»، پژوهش نامه علوم انسانی، شماره ۳۷، ۱۳۸۲.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی، دستور زبان فارسی ۱، تهران: سمت، نهم، ۱۳۸۶.
- یاحقی، محمدجعفر، جویبار لحظه ها، تهران: جامی، پنجم، ۱۳۸۲.
- یارمحمدی، لطف الله، گفتمان شناسی رایج و انتقادی، تهران: هرمس، ۱۳۸۳.
- Mannheim, k. *The Ideology and sociological interpretation of intellectual phenomena*, NewYork: Oxford University press, 1971.
- Simpson, P. *Stylistics: A Resourse Book for Students*. London Routledge, 2004.